

بزه‌دیده‌شناسی و مشکل بزه‌دیدگیهای گزارش نشده

■ ■ ■ عبدالعلی توجهی ■ ■ ■

□ □ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس □ □

■ ■ ■ علی حسین نجفی ابرنآبادی ■ ■ ■

□ □ دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی □ □

چکیده

«بزه‌دیده» یا «مجنی‌علیه» از ارکان مهم پدیدهٔ مجرمانه است که متأسفانه تاکنون، موقعیت واقعی و تعیین‌کنندهٔ خود را در پژوهشهای جرم‌شناسی نیافته است. صاحب‌نظران مسائل حقوق جزا و جرم‌شناسی، بیشترین تلاش خود را معطوف عناصری چون جرم، مجرم و مجازات کرده‌اند و در نتیجه قربانی جرم که اغلب در وقوع جرم نقش مؤثری ایفا می‌کند، از نظر دور مانده است.

با ظهور بزه‌دیده‌شناسی در دهه‌های اخیر، گامهای بلندی در مطالعهٔ علمی بزه‌دیدگان و شناسایی ویژگیها و عملکرد آنان در ارتکاب جرم برداشته شده است. گذشته از وجود مشکلاتی نظیر فقدان منابع، جوان بودن تئوریها و وجود ابهام در حدود و ثغور موضوع - که پژوهش دربارهٔ هر دانش نوپایی را بادشواری مواجه می‌سازد - تحقیقات و مطالعات بزه‌دیده‌شناسی، دارای تنگناها و مشکلات ویژه‌ای است که بدون غلبه بر آنها، ارزش و اعتبار تئوریهای این شاخهٔ نوین جرم‌شناسی، خدشه‌دار می‌شود. در این مقاله، یکی از مشکلاتی که فرا روی بزه‌دیده‌شناسان قرار دارد، بررسی شده است. نگارندگان ضمن بررسی درصد بزه‌دیدگیهای گزارش نشده در کشورهای مختلف جهان، همین موضوع را در ایران در مورد یک جامعه آماری ۱۰۰۰ نفری، مطالعه و بررسی کرده و چنین نتیجه گرفته‌اند که متأسفانه در ایران نیز بیش از ۶۰ درصد قربانیان جرائم، هرگز مراتب بزه‌دیدگی خود را گزارش نکرده‌اند. در بررسی علل عدم گزارش بزه‌دیدگیها، موضوعاتی از قبیل فقدان مدارک، بی‌اعتمادی به پلیس، حفظ آبرو و شخصیت خود و وجود رابطهٔ خانوادگی با مجرم، بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در پایان چنین نتیجه‌گیری شده است که برنامه‌ها و تدابیر مسئولان سیاست جنایی در امر مبارزه با بزهکاری، تا زمانی که بر آمار واقعی بزه‌دیدگان مبتنی نباشند، کارایی و ارزش واقعی خود را نخواهد یافت. لذا ضروری است مسئولان هر جامعه با جلب اعتماد بزه‌دیدگان و فراهم آوردن تسهیلاتی در تشریفات دادرسی، درصد بزه‌دیدگیهای گزارش نشده را که اغلب به انتقام خصوصی یا انزوای بزه‌دیده و به عبارت دیگر به بزهکاری یا بزه‌دیدگی جدیدی منجر می‌شود، تقلیل دهند.

کلید واژه‌ها: بزه‌دیده، بزه‌دیده‌شناسی



۱. مقدمه

جامعه بشری از ابتدای شکل‌گیری خود، همواره با پدیده‌هایی روبه‌رو بوده که گذشته از تهدید نظم عمومی و هنجارهای حاکم، کرامت و شئون انسانی را نیز با خطر مواجه ساخته است. در این شرایط، ضرورت بقای جامعه از یک سو و غریزه حب ذات و صیانت انسان از خود از سوی دیگر، واکنش وی را در برابر پدیده‌های فوق برانگیخته است. مطالعه پیشینه انسان، از وجود واکنشهای مختلف اجتماعی، حتی در جوامع بدوی و ایستا که فاقد قوانین مکتوب و مدون بوده‌اند [۷]، حکایت می‌کند و این امر مؤید آن است که تخلف و سرپیچی از آداب و رسوم جامعه، در کلیه زمانها، تقبیح اجتماعی و بروز عکس‌العملهایی را به دنبال داشته است.

این واکنشها، با وجود آنکه در برخی از ادوار تاریخ، از شدت و سنگینی خاصی برخوردار بوده و در مواردی از محدودۀ ظرفیت انسان و حتی حرمت او فراتر رفته است [۴]، نه فقط در ریشه‌کن ساختن بزهداری کارساز نبوده، بلکه بعضاً موجب افزایش آمارهای جنایی و تنوع و پیچیدگی بزهداری گردیده است. ناکامی و نارسایی شیوه‌های واکنش اجتماعی در امر مبارزه با پدیده مجرمانه، زمینه ظهور دانش جدیدی را به ویژه درباره علل جرائم پدید آورده است. از موضوعاتی که به عنوان یک وضعیت ماقبل جنایی و مؤثر در ارتکاب جرم، توجه جرم‌شناسان را به خود معطوف کرده، شخص «بزهدیده» یا «قربانی جرم» است. اهمیت این عنصر به گونه‌ای است که در زمانی نسبتاً کوتاه، زمینه ایجاد شاخه جدیدی در جرم‌شناسی، به نام «جرم‌شناسی بزهدیده‌شناسی» را فراهم آورده است [۳]. بزهدیده‌شناسی، شاخه نوینی از جرم‌شناسی و واکنش اجتماعی است که توجه پژوهشگران را به نقش بزهدیده در فرایند وقوع عمل مجرمانه، جلب می‌کند. این گرایش نسبتاً جوان جرم‌شناسی قادر است خلاءهای موجود در سیاست جنایی جوامع را تکمیل کرده، میزان موفقیت واکنش اجتماعی در مقابل بزهداری را افزایش دهد. پژوهش در مورد این دانش نوپا، همانند هر دانش دیگر در آغاز با مشکلاتی مواجه است، لکن به نظر می‌رسد پژوهشگرانی که درباره بزهدیدگان به مطالعه می‌پردازند با مشکلاتی فراتر از مشکلات عمومی روبه‌رو هستند؛ زیرا در بزهدیده‌شناسی، تکنها و مشکلاتی نظیر فقدان آمارهای واقعی بزهدیدگی در جامعه، فراروی محققان قرار دارد که این مشکل علاوه بر آنکه کار آنها را دشوار می‌سازد، اعتبار تئوریه‌ها و نظرهای آنان را نیز مخدوش می‌کند. فقدان آمارهای واقعی، معلول عدم گزارش بزهدیدگی‌هاست که از مهمترین مشکلات بزهدیده‌شناسی محسوب می‌شود. در این مقاله ابتدا مفهوم بزهدیده‌شناسی بررسی می‌گردد و آنگاه به مشکل بزهدیدگی‌های گزارش نشده، به عنوان یکی از مهمترین مشکلاتی که فرازوی پژوهشگران این شاخه جدید جرم‌شناسی قرار دارد، پرداخته خواهد شد. بنابراین مطالب این مقاله در دو قسمت ارائه می‌شود: (۱) مفهوم بزهدیده‌شناسی، (۲) بزهدیدگی‌های گزارش نشده و علل آن.



۲. مفهوم بزه‌دیده‌شناسی [۴]

در اولین سمپوزیوم بین‌المللی بزه‌دیده‌شناسی که در سال ۱۹۷۳ در اورشلیم برگزار گردید، از بزه‌دیده‌شناسی به عنوان «مطالعه علمی قربانیان جرائم» یاد شد [۱]. گاکلیموگولته^۱ بزه‌دیده‌شناسی را روش یا دانشی می‌داند که هدفش مطالعه شخصیت، بیولوژی، روان‌شناسی، ویژگیهای ممیز اجتماعی و فرهنگی بزه‌دیده و بررسی روابط وی با جرم و مجرم و مشخص ساختن نقش او در ارتکاب جرم است [۵]. کالدرون نیز بزه‌دیده‌شناسی را روشی تلقی می‌کند که ضمن مطالعه و بررسی قربانی جرم، در راستای دستیابی به یک سیاست متمرکز که بزه‌دیده محور آن است تلاش می‌کند [۵]. مارک آنسل در کتاب دفاع اجتماعی ضمن بررسی تحولات نوین حقوق جزا، با اشاره به پیدایش بزه‌دیده‌شناسی می‌نویسد: «یکی از ویژگیهای تحولات جدید علوم جنایی این است که پس از ملحوظ داشتن عمل مجرمانه و شخصیت مجرم، توجه خود را به زیان دیده از جرم معطوف می‌نماید. این تحول موجب پیدایش علمی نوین به نام بزه‌دیده‌شناسی شده است که بزه‌دیده از جرم را همانند مجرم، مورد بررسی قرار می‌دهد» [۲].

سپارویک که در برگزاری و شناساندن پنجمین سمپوزیوم بین‌المللی بزه‌دیده‌شناسی در «زاگراب» نقش برجسته‌ای داشته است، بزه‌دیده‌شناسی را در مفهوم مضیق، مطالعه عینی - تجربی قربانیان مستقیم جرم می‌داند [۱۰]. همچنین عزت فلاح که سهم مؤثری در تکامل بزه‌دیده‌شناسی دارد، در تعریف آن می‌نویسد:

«بزه‌دیده‌شناسی عبارت است از شاخه نوین جرم‌شناسی که به مطالعه زیان دیده مستقیم جرم می‌پردازد و مجموعه اطلاعات زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی مربوط به او را مشخص می‌کند. این گرایش همچنین مشخصات فرهنگی و اجتماعی بزه‌دیده و روابط او با مجرم و سهم وی را در ارتکاب جرم معین می‌کند» [۸].

شادروان استاد کی‌نیا در این باره می‌نویسد: «بزه‌دیده‌شناسی» یا «مجنی‌شناسی» یا «شناخت مجنی علیه» شاخه جدیدی است از جرم‌شناسی که به بررسی قربانی مستقیم جرم می‌پردازد. بنابراین شناخت بزه‌دیده و آنچه به او مربوط می‌شود، موضوع این دانش نوین است. در این دانش، شخصیت، صفات زیستی و روانی و اخلاقی، و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی بزه‌دیده و سهم او در تکوین جرم و رابطه‌اش با مجرم، مورد بررسی قرار می‌گیرد» [۶].

همچنین دکتر محمد آشوری با اشاره به موضوع بزه‌دیده‌شناسی و قلمرو آن، امکان عینی تعیین مسئولیت کیفری بزه‌کار را منوط به ملاحظه روابط بزه‌دیده با بزه‌کار و شناخت سهم بزه‌دیده در وقوع جرم دانسته است [۱].

با توجه به تعاریف فوق، می‌توان بزه‌دیده‌شناسی را به عنوان گرایش نوینی از جرم‌شناسی بدین



نحو تعریف کرد: «مطالعه علمی ویژگیهای زیستی، روانی و اجتماعی بزهدیده و بررسی نقش او در ارتکاب جرم و شناخت کلیه مسائلی که به بزهدیده مربوط می‌شود، مانند راههای پیشگیری از بزهدیدگی».

بدون تردید، تا زمانی که بزهدیده به عنوان یک عنصر مهم و تأثیرگذار، مورد توجه مسئولان سیاست جنایی قرار نگیرد، کلیه تدابیری که اتخاذ می‌شود، فاقد کارایی لازم بوده، به واسطه سطحی‌نگری، محکوم به شکست است. البته بزهدیده شناسی می‌تواند در ابعاد مختلفی چون پیشگیری از بزهدیدگی، حمایت از بزهدیدگان، کشف رقم سیاه و نظایر آن تحولات مهمی ایجاد کند که بررسی این تواناییها، نیاز به تحقیقی مستقل دارد. بدیهی است این قابلیتها، زمانی فعلیت می‌یابد که مشکلات و موانع این شاخه علمی، مرتفع شود. نظر به اینکه مهمترین مشکلی که فراروی پژوهشگران بزهدیده‌شناسی قرار دارد، بزهدیدگیهای گزارش نشده است، اینک به بررسی و تبیین علل آن می‌پردازیم.

۳. بزهدیدگیهای گزارش نشده و علل آن [۴]

پژوهش درباره هر دانش به ویژه در آغاز پیدایش آن، مشکلاتی را به همراه دارد. عدم وجود الگوهای کارآمد، فقدان اطلاعات کافی و مشخص نبودن حدود و قلمرو، تحقیق در مورد هر دانش نوپا را مشکل می‌سازد. بدون تردید، مواجه شدن با این گونه موانع - با توجه به عمومیتی که دارند - در مسیر بزهدیده شناسی نیز، امری عادی و طبیعی است، لکن به نظر می‌رسد مشکلات بزهدیده‌شناسی همانند مشکلات و موانع خاستگاه اصلی آن یعنی جرم‌شناسی، عمق، تنوع و گستردگی بیشتری دارد؛ زیرا جرم‌شناسی علی‌رغم قدمتی که نسبت به گرایش جدید خود یعنی بزهدیده‌شناسی دارد، هنوز با مشکلات عمیق و حل‌نشده‌ای چون مشکل رقم سیاه و مشخص نشدن آمار بزهرکاری واقعی روبه‌رو است. همچنین گوناگونی بزهدیده‌شناسی و پیچیدگی و ارتباط عوامل جرم‌زا، کار پژوهش در جرم‌شناسی را مشکل کرده است.

از آنجا که بزهدیدگی در واقع یک روی سکه‌ای است که روی دیگرش را بزهرکاری تشکیل می‌دهد، جهات مشترک متعددی، به ویژه در مورد شیوه پژوهش و تحقیق بین آن دو وجود دارد و مشکلات و موانع موجود نه فقط موجب خدشه‌دار شدن تئوریهای جرم‌شناسی می‌شود، بلکه از اعتبار یافته‌های بزهدیده‌شناسی نیز می‌کاهد. همچنین تنوع و پیچیدگی موجود در بزهرکاری علاوه بر آنکه کار بزهدیده‌شناس را مشکل می‌سازد، بزهدیده‌شناسی را نیز با دشواری مواجه می‌کند. در این قسمت مشکل بزهدیدگیهای گزارش نشده که مهمترین مشکل بزهدیده‌شناسی محسوب می‌گردد، همراه با بررسی علل آن ارائه می‌شود.

پژوهشهای به عمل آمده در کشورهای مختلف، نشان می‌دهد که بیش از نیمی از بزهدیدگان، مراتب بزهدیدگی خود را به مراجع قضایی و انتظامی گزارش نمی‌دهند. با توجه به جرم‌زا بودن این واقعیت، جرم‌شناسان تحقیقات گسترده‌ای را در مورد علل عدم گزارش بزهدیدگیها، در کشورهای مختلف



انجام داده‌اند که ضمن اشارهٔ اجمالی به آن، با استفاده از آمار موجود، به بررسی مهمترین علل عدم گزارش بزه‌دیدگیها در ایران پرداخته می‌شود. بدین ترتیب مطالب این قسمت در دو بند ارائه می‌گردد:

(الف) علل عدم گزارش بزه‌دیدگیها در کشورهای مختلف جهان،

(ب) علل عدم گزارش بزه‌دیدگیها در ایران.

الف) علل عدم گزارش بزه‌دیدگیها در کشورهای مختلف جهان [۵]

اول) امریکا [۶]: براساس تحقیقاتی که زیر نظر «فیلیپ انیس»^۲ در امریکا در سال ۱۹۶۷ به عمل آمد، بیش از نیمی از بزه‌دیدگان، هرگز در صدد اعلان بزه‌دیدگی خود به مقامات و مراجع رسمی نبوده‌اند. در تبیین علت این رفتار، نظرهای متعددی ارائه گردیده که به عنوان علل عدم گزارش بزه‌دیدگی در جامعهٔ امریکا، در جدول ۱ درج شده است [۹].

جدول ۱ علل عدم گزارش بزه‌دیدگیها در جامعهٔ امریکا در سال ۱۹۶۷

۲٪	جبران خسارت به وسیله بیمه	۵۵٪	بدبینی و تردید به کارایی و عملکرد پلیس
۹٪	علل دیگر	۳۴٪	اعتقاد به غیر پلیسی بودن قضیه

همان گونه که ملاحظه می‌شود در امریکا اعتقاد به ناتوانی یا عدم تمایل نیروی پلیس به تعقیب بزهکاران، در صدر عواملی است که موجب عدم گزارش بزه‌دیدگیها گردیده است.

اعتقاد به خصوصی بودن برخی قضایا و همچنین عدم تمایل به اذیت و آزار مجرم از سوی پلیس نیز درصد قابل توجهی از موارد عدم گزارش مراتب بزه‌دیدگی را باعث شده است.

فیلیپ انیس، بزه‌دیدگیهای حاصل از نزاعهای خانوادگی، ارتکاب جرم توسط دوستان یا مهمانان و بسیاری از اذیت و آزارهای جنسی را از مهمترین مواردی دانسته است که بزه‌دیدگان با اعتقاد به خصوصی بودن قضایا، آن را گزارش نداده‌اند. در برخی از موارد نیز قبل از مراجعه به محاکم قضایی یا انتظامی، خسارات وارد آمده به وسیله شرکتهای بیمه جبران شده و نیازی به مراجعه یا گزارش نبوده است. در ۹ درصد از بزه‌دیدگیهای گزارش نشده، نیز عللی چون نداشتن وقت یا حوصله کافی برای درگیر شدن با پلیس، فقدان آگاهی از نحوهٔ مراجعه کردن و کیفیت گزارش دادن، و غفلت و سردرگمی برخاسته از جرم، به عنوان علل اصلی عدم گزارش مطرح شده است. این پژوهشگر امریکایی، اقلیتهای بزه‌دیده را از جملهٔ گروههای انسانی می‌داند که پس از بزه‌دیدگی غالباً تمایلی به مراجعه و درگیر شدن با پلیس ندارند و بدون تردید این روحیه در تکرار بزه‌دیدگی آنان سهم خواهد داشت.

دوم) روسیه [۶]: براساس تحقیقات جداگانه‌ای که به وسیله دو مرکز تحقیقاتی بین‌المللی و ملی



در روسیه انجام گرفته، درصد قابل توجهی از بزه‌دیدگان، مراتب بزه‌دیدگی خود را هرگز گزارش نداده‌اند. همچنین تعداد زیادی از مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به این سؤال که اگر بزه‌دیده شوند، آیا مراتب بزه‌دیدگی خود را گزارش خواهند داد، نسبت به گزارش دادن و مراجعه به مراکز قضایی اظهار عدم تمایل کرده‌اند.

بزه‌دیدگان بالفعل و بالقوه‌ای که تحت مصاحبه قرار گرفته‌اند، در پاسخ به سؤالی راجع به علل عدم گزارش بزه‌دیدگیها، به مواردی چون عدم کارایی یا عدم تمایل به پیگیری موضوع از سوی نیروهای پلیس، اجتناب از درگیر شدن با مراجع قانونی و... اشاره کرده‌اند که خلاصه‌ای از این موارد در جدول ۲ درج شده است. این آمار نشان می‌دهد که در روسیه همانند امریکا، عدم کارایی پلیس یا بی‌اعتمادی به آن، درصد علل عدم گزارش بزه‌دیدگیها قرار داد. البته میزان این تردید و بدبینی، در مورد جرائم مختلف متفاوت بوده که این موضوع در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۲ علل عدم گزارش بزه‌دیدگیها در روسیه (۱۹۹۱-۱۹۹۲)

عدم کارایی مراجع و مؤسسات اجرایی ذریبط	۴۲/۳٪	پرهیز از مشکلات و تبعات بعدی	۱۰٪
بی‌اعتمادی به مراجع و نیروهای مسئول	۱۶/۲٪	جلوگیری از انتشار عمل ارتكابی	۲/۳٪
اجتناب از درگیر شدن با جریان تعقیب و دادرسی	۲۷/۳٪	مشکل داشتن در پاسخ به سؤالات	۱/۵٪

جدول ۳ میزان تأثیر بدبینی و بی‌اعتمادی به عملکرد پلیس در عدم گزارش

بزه‌دیدگیهای مختلف در روسیه (۱۹۹۱-۱۹۹۲)

میزان تأثیر بدبینی و بی‌اعتمادی به عملکرد پلیس در عدم گزارش	سرقته	سرقته از داخل ماشین	تخریب ماشین	سرقته	مطلق	خشونت
پلیس نمی‌تواند کاری انجام دهد	۲۰٪	۴۶/۲٪	۳۴/۷٪	۳۹٪	۳۳/۳٪	۱۵/۷٪
پلیس نمی‌خواهد کاری انجام دهد	۲۰٪	۴۲/۳٪	۲۹/۲٪	۳۹٪	۲۱/۲٪	۱۸/۶٪

سوم) کانادا [۶]: تحقیقات انجام شده در کانادا در سال ۱۹۸۳ [۹] نشان می‌دهد که «کم‌اهمیت بودن موضوع»، در صدر دلایلی است که برای عدم گزارش مراتب بزه‌دیدگی از سوی بزه‌دیدگان، عنوان شده است. عدم کارایی پلیس با ۶۱ درصد، وقت نداشتن برای گزارش و پیگیری با ۲۴ درصد، نگرانی از مداخله پلیس با ۸ درصد، سازش غیرقضایی با ۴ درصد و سایر موارد با ۳ درصد از دیگر علل دخیل در این باره بوده است. در مورد بزه‌دیدگانِ تهاجم در حمله‌های جنسی نیز عدم کارایی پلیس با ۵۲ درصد و آشتی و جبران خسارت بدون مداخله پلیس با ۳۳ درصد در صدر عوامل ذکر شده برای عدم گزارش بزه‌دیدگیها قرار گرفته است.

چهارم) فرانسه [۶]: کمیته فرانسوی مطالعات دربارهٔ خشونت، براساس نظرسنجی افکار عمومی اذعان کرده است که از هر ۱۰۰ عمل مجرمانه، ۲۶ مورد به صورت جزئی و دقیق و ۲۷ مورد به صورت

مطلق، هرگز افشا نشده و بزهکاریهای افشا شده یا گزارش شده کمتر از ۴۸ درصد کل جرائم بوده است. بنا به اظهار این کمیته در سال ۱۹۶۷، بعضی از بزه‌دیدگان با این احساس که افشاگری بیهوده است، اعمال ارتكابی را به مقامات شهربانی و دادگستری اعلام نکرده‌اند. در بسیاری از زمینه‌های بزهکاری، درصد موارد اعلام نشده در مقایسه با پرونده‌های تشکیل شده و پایان نیافته، قابل ملاحظه بوده و برای نمونه، این درصد، در قتل‌های سوذجویانه دو به یک، در دزدیهای مسلحانه چهار به یک و در سرقت‌های منازل شش به یک برآورد شده است [۲].

پنجم) انگلستان [۶]: براساس تحقیقاتی که به وسیله «هاگ و مایو»^۲ در انگلستان در سال ۱۹۸۳ به عمل آمده است، ۲۸ درصد از بزه‌دیدگانی که به صورت شخصی، قربانی یکی از جرائم شده‌اند و ۴۹ درصد از بزه‌دیدگان جرائم خانوادگی (درون فامیلی)، مراتب بزه‌دیدگی خود راه به پلیس و مراجع قانونی گزارش نکرده‌اند. در میان دلایل عدم گزارش بزه‌دیدگی مواردی چون بدبینی به توان و پیگیری پلیس و اعتقاد به خصوصی بودن موضوع، درصد قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند [۹].

بررسی آمار بزه‌دیدگانی که در کشورهای مختلف مراتب بزه‌دیدگی خود را گزارش نکرده‌اند و مقایسه علل ذکر شده، نشان می‌دهد که اولاً این مشکل از مشکلات عمومی و فراگیر بزه‌دیده‌شناسی است و ثانیاً بی‌اعتمادی بزه‌دیدگان به کارایی مراجع قانونی، در صدر عواملی است که موجب عدم گزارش بزه‌دیدگیها می‌شود. براین اساس، ضرورت دستیابی مسئولان سیاست جنایی به آمار واقعی بزهکاری و لزوم برخورد قانونی با کلیه بزهکاران، اقتضا می‌کند که مراکز پلیس و مراجع قضایی، گذشته از جلب اعتماد عمومی، اولاً امکان دسترسی سریع و آسان بزه‌دیدگان را به مراجع و مراکز مزبور فراهم سازند؛ ثانیاً از دخالت افراطی در مواردی که زمینه صلح و سازش وجود دارد، به ویژه در مسائل خصوصی افراد پرهیز کنند و ثالثاً کیفیت برخورد خود را با بزه‌دیده و حتی با بزهکار، به گونه‌ای اصلاح کنند که بزه‌دیده نه فقط در مورد خود، بلکه درخصوص بزهکار نیز احساس نگرانی نکند و از سر ترحم و دلسوزی به بزهکار یا ترس از مشکلات مربوط به درگیر شدن خودش با پلیس، از گزارش بزه‌دیدگی خویش، خودداری نوزد.

ب) علل عدم گزارش بزه‌دیدگیها در ایران [۵]

پژوهشهای انجام شده در ایران نشان می‌دهد که بیش از نیمی از بزه‌دیدگان، هرگز مراتب بزه‌دیدگی خود را گزارش نکرده‌اند. در یک جامعه آماری، از میان ۴۰۱ نفر که خود یا یکی از بستگان درجه اول خود را قربانی یکی از جرائم دانسته‌اند، فقط ۱۲۸ مورد یعنی ۲۴/۴۱ درصد به پلیس یا مراجع قضایی مراجعه کرده‌اند. خودداری از گزارش در بیش از نیمی از موارد بزه‌دیدگی - آن گونه که در جدول ۴ دیده می‌شود - گذشته از آنکه اعتبار تدابیر و اقدامات مبارزه با بزهکاری را در عمل با تردید مواجه



می‌سازد، به منزله یک هشدار جدیدی به مسئولان سیاست جنایی تلقی می‌شود که در برنامه‌های خود تجدید نظر کرده درباره علل عدم گزارش بزه‌دیدگیها تحقیق کنند.

جدول ۲ بزه‌دیدگی و میزان گزارش آن در ایران (۱۳۷۴)

بزه‌دیدگیهای گزارش نشده	بزه‌دیدگیهای گزارش شده	موارد بزه‌دیدگی	خودداری از پاسخ‌دادن	موارد عدم بزه‌دیدگی	جامعه آماری
۲۶۳	۱۲۸	۴۰۱	۳۷	۵۶۲	۱۰۰۰
۶۵/۵۸	۳۴/۴۱	۴۰/۱۰	۳/۷۰	۵۶/۲	درصد

فراوانی آمار بزه‌دیدگیهای گزارش نشده، آن گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود در مورد جرائم مختلف متغیر است، برای مثال در مورد جرم سرقت بیش از نیمی از سرقتهای انجام گرفته، توسط مالباختگان گزارش شده و درصد موارد عدم گزارش آن، ۴۲/۳۶ است، در حالی که درصد موارد گزارش نشده در خصوص قربانیان جرائم جنسی، افترا و توهین به ترتیب ۸۲/۳۲، ۹۰/۲۷، ۸۹/۴۷ بوده است. همچنین گزارش کلیه موارد آدم‌ربایی بیانگر، خطرناک بودن آن و شاید احساس خطر جدی از سوی افراد جامعه در مقابل این جرم است. عدم گزارش کلیه بزه‌دیدگیهای ناشی از اخاذی نیز احتمالاً معلول عواملی چون مقصر دانستن خود و ترس از مطرح شدن گناه خود بوده است.

جدول ۵ فراوانی بزه‌دیدگیهای گزارش نشده در جرائم مختلف در ایران (۱۳۷۴)

نوع جرائم	تعداد	بزه‌دیدگیهای گزارش شده		بزه‌دیدگیهای گزارش نشده	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
سرقت	۱۱۳	۶۴	۵۶/۶۲	۴۹	۴۳/۳۶
کلاهبرداری	۴۸	۱۶	۳۳/۳۳	۳۲	۶۶/۶۶
جیب‌بری	۳۳	۷	۲۱/۲۱	۲۶	۷۸/۷۸
خیانت‌درامانت	۱۷	۵	۲۹/۴۱	۱۲	۷۰/۵۸
صدور چک بلامحل	۳۹	۱۰	۲۳/۳۳	۲۹	۶۶/۶۶
جعل	-	-	-	-	-
ضرب و شتم	۲۹	۱۳	۴۴/۸۲	۱۶	۵۵/۱۷
افتراء	۴۱	۴	۹/۷	۳۷	۹۰/۲۷
جرائم جنسی	۱۲	۲	۱۶/۶	۱۰	۸۳/۳۲
توقیف غیرقانونی	۱۲	۵	۴۱/۶۶	۷	۵۸/۳۳
تهدید	۱۵	۴	۲۶/۶۶	۱۱	۷۳/۳۳
اخاذی	۴	۰	-	۴	۱۰۰
توهین در معابر	۱۹	۲	۱۰/۵۲	۱۷	۸۹/۴۷
کار اجباری	۶	۰	-	۶	۱۰۰
آدم‌ربایی	۴	۴	۱۰۰	۰	-



بزه‌دیده‌شناسی و مشکل بزه‌دیدگیهای گزارش نشده

قذف	۴	-	۰	۴	۱۰۰
سایر جرائم	۵	۲	۴۰	۳	۶۰
جمع کل	۴۰۱	۱۳۸	۳۴/۱۹	۲۶۳	۶۵/۵۸

بزه‌دیدگانی که مراتب بزه‌دیدگی خود را در ایران به مراکز انتظامی یا مراجع قضایی گزارش نکرده‌اند، در پاسخ به این سؤال که چرا از این عمل خودداری ورزیده‌اند، غالباً به یک دلیل و در برخی از موارد به دو دلیل و به ندرت به سه یا چهار دلیل اشاره کرده‌اند (جدول ۶). دلایل مطرح شده، در مورد جرائم مختلف، متفاوت بوده و به عنوان نمونه مهمترین دلایل برای عدم گزارش بزه‌دیدگیهای ناشی از کلاهبرداری، فقدان مدارک کافی، در مورد بزه‌دیدگیهای مربوط جرائم جنسی، افتراء، توهین و ضرب و شتم، حفظ آبرو و شخصیت بزه‌دیده، و در مورد بزه‌دیدگیهای جرم سرقت، بی‌اعتمادی به پلیس اعلام گردیده، لکن در مجموع، استناد به دلایلی چون حفظ آبرو و حیثیت خود، وجود روابط فامیلی با مجرم، فقدان مدارک کافی و بی‌اعتمادی به پلیس و مهم نبودن موضوع - همان گونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود - به ترتیب بیشترین فراوانی را داشته است.

جدول ۶ تعداد دلایل عدم گزارش بزه‌دیدگیها در ایران و درصد آنها

موارد عدم گزارش	درصد	دلایل	موارد عدم گزارش	درصد	دلایل	مجموع جمع
۱۹۸	۷۵/۲۸	یک دلیل	۱۶	۶/۰۸	سه دلیل	تعداد بزه‌دیدگیهای گزارش نشده ۲۶۳
۴۶	۱۷/۴۹	دو دلیل	۳	۱/۱۴	چهار دلیل	تعداد دلایل ذکر شده ۳۵۰

جدول ۷ فراوانی علل عدم گزارش بزه‌دیدگیها در ایران

علل عدم گزارش	تعداد	درصد	علل عدم گزارش	تعداد	درصد
حفظ آبرو و شخصیت خود	۵۹	۱۶/۵۷	مقصر دانستن خود	۲۱	۵/۸۹
وجود روابط فامیلی با مجرم	۵۲	۱۴/۶۰	وقت نداشتن برای پیگیری	۲۰	۵/۶۱
فقدان مدارک کافی	۴۲	۱۱/۷۹	عدم علاقه برای پیگیری	۱۷	۴/۷۷
بی‌اعتمادی به پلیس و مراجع قضایی	۴۲	۱۱/۷۹	عدم آگاهی از قانون	۱۳	۳/۶۵
مهم نبودن موضوع	۳۳	۹/۲۶	ترس از پلیس	۱۰	۲/۸۰
ترحم و دلسوزی به مجرم	۲۸	۷/۸۶	سایر علل	۱۲	۳/۳۷

۴. نتیجه

در چنین شرایطی، رسالت خطیر مسئولان سیاست جنایی ایجاب می‌کند که علل مزبور را به صورت



واقع‌بینانه بررسی کنند. بدون تردید، اگر فرایند کشف جرم و تعقیب جرم تا صدور حکم و اجرای آن به گونه‌ای باشد که کمترین لطمه را به حیثیت آسیب‌دیده بزه‌دیده وارد آورد، درصد بزه‌دیدگانی که به خاطر حفظ آبروی خویش، مراتب بزه‌دیدگی خود را گزارش نمی‌دهند، کاهش می‌یابد. همچنین اگر کلیه افراد جامعه به عنوان بزه‌دیدگان بالقوه، نسبت به حقوق قانونی خویش و راههای احقاق آن آموزش ببینند و دستگاههای قضایی نیز، ضمن به کارگیری شیوه‌های سهل‌الوصول در امر دادرسی، سرعت و جدیت داشته باشند، بسیاری از بزه‌دیدگانی که شخصاً در صدد انتقام برآمده یا منزوی شده‌اند، مراجعه به مراجع قانونی و گزارش دادن مراتب بزه‌دیدگی خویش را ترجیح خواهند داد. به علاوه نیروهای انتظامی نیز می‌توانند با به نمایش گذاشتن عملی کارایی و دلسوزی خود، برخی از بزه‌دیدگان را از بدبینی یا بی‌اعتمادی به ضابطان قضایی، خارج ساخته، با جلب اعتماد آنان، رقم بزه‌دیدگیهای گزارش نشده را کاهش دهند.

بدون شک هر تلاشی که به تقلیل بزه‌دیدگیهای گزارش نشده بینجامد، میزان واقع‌بینی و در نتیجه اعتبار، کارایی و موفقیت سیاست جنایی حاکم بر جامعه را افزایش خواهد داد.

۵. منابع

- [۱] آشوری، محمد، «نقش زبان دیده از جرم و تحول آن در دعاوی کیفری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۳۴، ص ۷۰.
- [۲] آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ ۳، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۵۰.
- [۳] پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰، ص ۲۹-۶۲.
- [۴] خلیلی، مهیار، تاریخ شکنجه و کشتار و آزار در ایران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹، ص ۱۶۵.
- [۵] کالدرون، خوزه، «قربانی شناسی»، ترجمه محمد بیاتی‌نیا، فصلنامه سازمان قضایی نیروهای مسلح، دوره جدید، ش ۱۴، ص ۷۸.
- [۶] کی‌نیا، مهدی، «بزه‌دیده شناسی»، مجله حقوق، ش ۱، ص ۱۲.
- [۷] مساواتی آذر، مجید، آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، تبریز، انتشارات نوبل، ۱۳۷۴، ص ۸.
- [8] Fattah, E.A, *Understanding Criminal Victimization*, Prentice-Hall, 1991, PP.8-10, 43, 45-46, 46.
- [9] *La Victime est-elle coupable*, Canada, University de Montral, 1971, P.13.
- [10] Separovic, Z.P, *Victimology*, Zagreb, Samboro Novaki, 1985, P.1, 16.